



## تاریخ زری بافی در ایران

و پرندگان، جانوران و شکارگاه و سواران و طرحهای تجریدی و انتزاعی بود. از قرون چهارم میلادی، قطعاتی از زریهای ایرانی در موزه "لیون" فرانسه، لندن، واشنگتن، ارمیتاژ و ... نگهداری می‌شود و نمودار عظمت و اعتبار این هنر سنتی در ایران کهن است.

بعد از ساسانیان، به علت حرمت بهره‌گیری از طلا برای مردان، مدنی نسبتاً دراز، بافت پارچه‌های زری به تعویق افتاد تا اینکه بافتن پارچه‌های زری، در دوره سلجوقیان رونق یافت. در دوره‌های اسلامی، نقوش حیوانات و پرندگان نظیر شیر، عقاب و عقاب که زربفت شده‌اند و در متن پارچه‌ها، جلال و شکوهی داشتند پیشرفت تکنیک پارچه‌بافی در عصر سلجوقیان است. طرحهای شقایق و نیلوفرآبی نیز از عناصر تزئینی در بافت پارچه‌های این دوره است.

در دوره‌های بعد، تدریجاً طرحهای تازه‌ای به ابتکار طراحان و بافندگان ایران به متصه ظهور رسید و در هویتی مستقل، دوره معتبر و اصیل نساجی صفویه را بنیان نهاد. اما پیش از آن یعنی در عصر مغول، سالهای فراموشی نساجی ایران بود و زری‌باغان از بیم مرگ، متواری شده و در خفا می‌زیستند.

دوره طلایی بافندگی از عصر صفویه آغاز می‌شود. پارچه‌های ابریشمی صفویه سه گونه است:

۱ - حریر ساده

در روزگاران پیشین، کارگاههای طرازسازی ایران، علاوه بر اینکه منسوجات گرانبها را برای داخل کشور تدارک می‌دیدند، بخشی را نیز برای صدور به کشورهای دیگر آماده می‌کردند. نمونه‌هایی از بافته‌های ابریشمین اوایل دوره اسلامی که به شیوه‌های ساسانی بافته شده، هم اکنون در دست است و غالباً در مجموعه‌های شخصی و کلیساهای اروپا دیده می‌شود. از جمله دستمالی که چهره حضرت مسیح (ع) بر آن نقش بسته، در کلیسای "سنت ویکتوریا" موجود است و همچنین پارچه‌ای که نقش فیل بر آن بافته شده، در خزانه کلیسای بزرگ "سانس" نگهداری می‌شود.

بافت پارچه‌هایی که در متن و نقوش آنها، نخهای گلابتون به کار گرفته شده بنا به روایات تاریخی به دو هزار سال پیش می‌رسد. "هردودت" مورخ مشهور یونانی نوشته است:

"رومیان به خاطر زیبایی و اشتها زربفت‌های سنتی ایران همه ساله مبالغ هنگفتی می‌پرداختند".

"فیلوستر" نیز گفته است: "اشکانیان، خانه‌های خود را با پرده‌های زری‌براقی دار که از پولکهای نقره و نقوش زرین، تزئین شده بود، می‌آراستند".

نقوش پارچه‌های ساسانی در تناسب و هماهنگی طرح و رنگ به نهایت درجه هنری رسیده بود. ترکیبات نقوش ساسانی، برگرفته از مرغ



جالبی از انواع زری و مخمل بافته می‌شود که پارهای از آنها از نظر تنوع رنگ و طرح، با بهترین دست بافت‌های این هنر سنتی در گذشته برابری می‌کند.

پایه‌های طراحی نقوش زری، اگر چه به ترکیبات هنری کلاسیک آن استوار است، ولی ایجاد نقوش و طرح آن، مانند سایر هنرهای ایرانی، خواص شکل‌پذیری و ترکیبات نوین دارد.

استادان مرحوم محمد طریقی، مرحوم حاج حسین اسلامیان، محمود فرشچیان، عنایت... منجذب و دیگران با اندک تغییر در ظاهر و یا افزودن و کاستن یک عنصر تزئینی، اشکال ویژه‌ای را که گویای آفرینش طرحی نوین است، ابداع کرده‌اند.

مواد اولیه زری که ابریشم و گلابتون است، هنوز هم در غنای این هنر، نقش اساسی دارد. رنگرزی ابریشم‌هایی که در زری‌بافی کاربرد دارد، با رنگهای طبیعی انجام می‌گیرد و به همین جهت از ارزش فراوانی برخوردار است. این رنگها، سالیان متمادی ثابت و پایدار می‌مانند.

روی‌های بافت زری به صورت لپه‌باف، دارایی و اطلسی و ... است و طرحها و نقشهای رایج امروز، بتدجفدای، اسلیمی، اسلیمی ماری، اسلیمی درهم، گل‌های افشان، شکارگاه، بزم، رزم، مناظر و حیوانات، خط و خوشنویسی و ... است، نقشهای تجربدی در زیرهای امروز، کمتر یافت می‌شود.

امکانات تکنیکی، امروزه سبب سرعت بافت و دقت در نقشبندی و نقش‌اندازی شده و مواد اولیه نیز مرغوبتر از گذشته شده است. البته این تغییرات براساس مطالعات و بررسی آثار گذشتگان به دست آمده است. زری، با دستگاههای کهن "دستوری" و "ژاکارد" بافته می‌شود.

امروزه، زری‌بافی در جایگاهی ویژه قرار دارد و آثاری که به موزه‌ها و نمایشگاهها راه می‌یابند، چشم تماشاگران را خیره می‌سازند. این هنر بی‌تردید طرفداران فراوانی دارد، لذا در دوره معاصر به تحرک و نوآوری فراوان نیاز دارد و بدون پشتیبانی به ویژه از جهات پژوهشی و آموزشی و طراحی نقشهای نوین برپایه سنتهای گذشته، اشاعه و معرفی بیشتر این هنر ارزشمند، امکان‌پذیر نخواهد شد.

این پارچه‌ها، برای تن‌پوش اعیان، امرا و شاهان و درباریان به کار می‌رفت. تزئین پارچه‌های یاد شده عبارت بود از اشکال انسانی، تصویر حیوانات و پرندگان و گل و گیاه و گاهی نیز تصاویر داستانهای رزمی و بزمی بر آنها نقش بسته است.

مثلاً در موزه "کوپریونیون" دو قطعه پارچه ابریشمی را می‌بینیم که روی آنها، منظره‌ای از داستان لیلی و مجنون دیده می‌شود. بربیک قطعه از آنها، لیلی برهودجی نشسته و به مجنون می‌نگرد و اطراف مجنون را وحوش صحرایی احاطه کرده‌اند. قطعه دیگری، لیلی را در مقابل مجنون که غزالی به دست گرفته، نشان می‌دهد.

در زمان شاه عباس دوم، بافت پارچه‌های ارزشمند زربفت و مخمل زری، با دقت و مهارت ادامه داشت و با قطعاتی از آنها نام بافنده آن که "غیاث" بود نقش بسته است. در موزه "متروپولیتن" دو قطعه کوچک پارچه ابریشمی تاریخداری، از زمان شاه عباس موجود است که روی آنها نام بافنده شاه حسین و تاریخ ۱۰۰۸ هـ ق نقش بسته است. نساجان و بافندگان مشهور این عهد، عبارت بودند از غیاث، عبدالله، ابن محمد، معزالدین، ابن غیاث و عیسی عباسی.

در عصر شاه‌عباس، با تاسیس کارگاههای شاهی از هنرمندان زری‌باف خواسته شد که به منظور زنده کردن این هنر قدیمی به اصفهان کوچ کنند و همگانی و همراهی آنان نشان داد که جامعه زری‌بافان می‌تواند آثار ارزشمندی را به بازار عرضه کند. در این دوره، علاوه بر اصفهان، یزد و کاشان نیز جایگاه بافت زری در ایران بود.

از قرن ۱۱ تا قرون ۱۲ و ۱۳ هـ ق بافت پارچه‌های زربفت و ابریشمی کاهش یافت و گلدوزی قلمکار و انواع سوزندوزیها، جایگزین این هنر سنتی شد. پارچه‌های زربفت، بیشتر مخصوص بزرگان و امراء شد، در حالی که پارچه‌های زینتی دیگر از جمله مخمل و اطلس، ملبوس مردان و زنان آن دوره بود.

زربفت و مخمل زری، در مسیر تاریخی خود، نظر هنرمندان زری‌باف عصر قاجار را نیز به خود معطوف داشت و کم و بیش این هنر سنتی، سینه به سینه حفظ شد و در رژیم گذشته نیز به عنوان بافت زینتی، رویه مبیل دربار، لباس تشریفات و پرده‌های تالارهای عام و خاص به شمار می‌رفت.

کارگاه کنونی زری‌بافی سازمان میراث فرهنگی کشور در سال ۱۳۰۹ هـ ش به اهتمام استاد حسین طاهرزاده بهزاد تبریزی "بنیان نهاده شد و از هنرمندان برجسته زری‌بافی آن روز ایران، از جمله "استاد حبیب... طریقی" و فرزند هنرمندش "استاد محمد طریقی" به کار دعوت شد و هنرمندان کنونی، دست پروردگان خاندان طریقی هستند.

اکنون در کارگاه زری‌بافی سازمان میراث فرهنگی کشور در تهران و هنرستان هنرهای زیبای اصفهان و میراث فرهنگی کاشان، نمونه‌های

